

# بیداری اسلامی و موانع آن در اندیشه امام خمینی (ره)

دکتر محمد حسن شبیبانی فر\*

## چکیده

مطالعه بیداری اسلامی و بررسی و تجزیه و تحلیل آن از مدت‌ها پیش در دستور کار قدرت‌هایی قرار گرفته که از آن احساس بیم و هراس داشته‌اند، و هم‌اینان برای فهم و شناسایی بیداری اسلامی و یافتن راه‌های مقابله و انهدام یا به‌انزواکشاندن این موج، تلاش‌های گسترده‌ای را شروع کرده‌اند. بسیاری از صاحب‌نظران در پدیده جنبش‌های اسلامی معاصر معتقدند که انقلاب اسلامی ایران، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و ازدیاد فعالیت‌های مؤثر در جوامع عربی و اسلامی بوده است. حدیث این ماجرا را رهبر معظم انقلاب، اینگونه ترسیم کرده‌اند: «قبل از انقلاب اسلامی در بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای اسلامی، گروه‌ها و جوان‌ها و ناراضی‌ها و آزادی‌طلب‌ها با ایدئولوژی‌های چپ وارد میدان می‌شدند، اما بعد از انقلاب اسلامی، پایه و مبنای حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش، اسلام شد. امروز در هر نقطه‌ای از دنیای وسیع اسلام - که جمعیت یا گروهی، به انگیزه آزادی‌خواهی و ضدیت با استکبار حرکت می‌کنند - مبنای قاعده کار و امید و رکنشان، تفکر اسلامی است.»

برخی از موانع بیداری اسلامی، از دیدگاه امام خمینی (ره) عبارت است از:

۱ - تحریف اسلام و وارونه جلوه دادن مفاهیم دینی

\*. مدیر پژوهش و تحقیقات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)



۲- حکام کشورهای اسلامی

۳- تفرق

۴- تحجّر و جمود مقدّس نماها

۵- روشنفکر نماها

۶- آخوندهای وابسته به قدرت‌ها و دنیاطلب

## مقدمه

بیداری اسلامی در دهه‌های اخیر در کشورهای اسلامی و در بین مسلمانان سایر کشورهای پدیددای است که شگفتی آفریده است. مطالعه این پدیده و بررسی و تجزیه و تحلیل آن از مدت‌ها پیش در دستور کار قدرت‌هایی قرار گرفته که از آن احساس بیم و هراس داشته‌اند و هم‌اینان برای فهم و شناسایی بیداری اسلامی و یافتن راه‌های مقابله و انهدام و یا به انزوا کشاندن این موج؛ تلاش‌های گسترده‌ای را شروع کرده‌اند.

نشست، کنفرانس، میزگرد، مصاحبه و سمینارهای علمی با شرکت صاحب‌نظران و اندیشمندان در جهت شناسایی هر چه بیشتر گرایش‌های فزاینده دینی تنها بخشی از این تلاش را نشان می‌دهد. سفارش کتاب؛ پایان‌نامه و فراخوان مقالات، بخش علنی دیگر این کوشش است.

در بخش پنهان این ماجرا؛ قطعاً، صدها پروژه مطالعاتی امنیتی و عملیاتی در دستور کار سرویس‌های اطلاعاتی - امنیتی قدرت‌های مخالف اسلام بوده و در حال اجرا می‌باشد. که احیاناً برخی از این عملیات به دلایلی آشکار شده است.

این تلاش گسترده، همپای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در راستای محدود کردن این تحوّل و جلوگیری از گسترش بیشتر بیداری اسلامی، با حساسیت بیشتر و شدت مضاعفی پیگیری گردید.

در همان سال‌های نخست پیروزی انقلاب، سران کشورهای سلطه‌گر به موضع‌گیری و تهاجم علیه انقلاب پرداخته و راه مقابله با آن را در پیش گرفتند. زیرا کارشناسان و نظریه‌پردازان این کشورها دریافته بودند که انقلاب اسلامی ایران نقش اساسی در دامن زدن به شعله آزادی خواهی، استقلال طلبی، هویت جویی اسلامی و گسترش و تعمیق آن در کشورهای دیگر دارد.



## تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی

بسیاری از صاحب‌نظران در پدیده جنبش‌های اسلامی معاصر معتقدند که انقلاب اسلامی ایران، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و ازدیاد فعالیت‌های مؤثر در جوامع عربی و اسلامی بوده است.

نظریه تأثیرپذیری کشورهای اسلامی از انقلاب، مبتنی بر سخنان رهبران جنبش‌های آزادی‌بخش و الگوبرداری آنان از انقلاب ایران و مطالعه تحولات و رویدادهایی است که در کشورهای اسلامی رخ داده است.

امام خمینی خود براین نکته واقف بودند و به آن افتخار داشتند. «آوای انقلاب بزرگ ایران در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها طنین‌انداز و افتخارساز است...»<sup>۱</sup>

همین نکته را، خبرنگاری یک ماه قبل از پیروزی انقلاب از امام سؤال می‌کند:

«سؤال: آیا فکر می‌کنید دامنه حوادث ایران به ترکیه نیز کشیده شود؟»

جواب: نهضت مقدس ایران، نهضتی اسلامی است و از این جهت بدیهی است که همه

مسلمین جهان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.»<sup>۲</sup>

خودآگاهی مسلمانان به ویژه در کشورهای اسلامی از قدرت خویش، بازگشت به قرآن، تکیه به فرهنگ غنی اسلامی و الهام‌گیری از انقلاب ایران مسأله‌ای نبود که هضم آن برای صاحبان قدرت آسان باشد.

الکساندر هیک می‌گوید: «به نظر من خطرناکتر از این (مشکلات بین‌المللی) عواقب گسترش بنیادگرایی اسلامی است که در ایران پا گرفته و اکنون عراق و ثبات تمام رژیم‌های عرب میانه‌رو را در منطقه تهدید می‌کند. این پدیده اگر از کنترل خارج شود منافع ابرقدرت‌ها را به خطرناک‌ترین وجه به مخاطره خواهد انداخت.»<sup>۳</sup>

الهام‌گیری مسلمانان از ایران همچنان در تدوین کتاب‌ها و تیراژ و حجم فروش این دست از کتابها، و نیز در رسانه‌ها و مطبوعات چشم‌گیر بوده است.

## مجیب الرحمان شامی - روزنامه نگار

«هیچ کس باور نداشت که در عصر حاضر اصول اسلامی، عملی باشد... انقلاب ایران جان تازه‌ای به اندیشه اسلامی بخشید و ثابت کرد که اصول اسلامی کماکان کاربرد دارد و می‌تواند مبنای جامعه امروزی قرار گیرد...»<sup>۴</sup>



«مهمترین اثر و کار امام این بود که دیکتاتوری در اسلام مجاز نمی‌باشد. مردم حق انتخاب دارند و نمی‌توان حقوق ایشان را رعایت نکرد...»<sup>۵</sup>

### حسن سلیمان - امام مسجد کبک تاون آفریقای جنوبی

«الهام و الگوگرفتن از ایران به ویژه در کبک تاون نقش به‌سزایی در براندازی رژیم آپارتاید ایفا نمود...»<sup>۶</sup>

وی تأثیرگذاری امام را بر کشورها، ناشی از اسلام می‌داند:

«منشأ تفکرات انقلاب امام دین مبین اسلام بود. بدون شک این تفکرات و هم چنین رهبری امام به مسلمانان خصوصاً جوانان انگیزه مبارزه بخشید...»<sup>۷</sup>

**دکتر شقاقی در کتاب «امام خمینی راه حل جدید جهان اسلام»** روش انقلاب ایران را مؤثر دانسته و برای تداوم مبارزه، انقلاب اسلامی ایران را شایسته پیروی، معرفی می‌کند.

وی در بخشی از کتاب، امام را این‌گونه معرفی می‌کند: «مظهر جریانی نو بود که اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی مطرح می‌کرد تا از طریق برپایی حکومت اسلامی، همه ابعاد زندگی و مشکلات آن را حل و فصل نماید.»

آنگاه که روشنفکران و مبارزین برای تداوم کار خود و توجیه پیروان خویش به ناسیونالیسم و مکاتب فکری چپ‌گرایانه روی می‌آوردند، انقلاب اسلامی را نمونه‌ای جدید از تمدن بشری دانسته که:

«پایان کار اندیشه‌های لائیک و همه دیگر انواع اندیشه‌هایی را که می‌خواستند جایگزین اسلام شوند اعلام کرد.»<sup>۸</sup>

حدیث این ماجرا را رهبر معظم انقلاب، اینگونه ترسیم کرده‌اند:

«قبل از انقلاب اسلامی، در بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای اسلامی، گروه‌ها و جوان‌ها و ناراضی‌ها و آزادی‌طلب‌ها با ایدئولوژی‌های چپ وارد میدان می‌شدند، اما بعد از انقلاب اسلامی، پایه و مبنای حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی بخش، اسلام شد. امروز در هر نقطه‌ای از دنیای وسیع اسلام که جمعیت یا گروهی، به انگیزه آزادی خواهی و ضدیت با استکبار حرکت می‌کنند؛ مبنای قاعده کار و امید و رکنشان،



تفکر اسلامی است.»<sup>۹</sup>

امام بنیان ارزش‌های مادی را در دنیا لرزانیده است. رهبر کمونیست کشوری دور دست، با قدرت مادی بالا و دارای پیشرفت‌های زیاد، می‌گوید: «خواهش می‌کنم کتابی درباره اسلام بدهید تا مطالعه کنم.»

... امروز، نماینده مجلس یک کشور مادی که هفتاد سال بر مبنای ماتریالیسم دیالکتیک اداره شده است، به من می‌گوید: «به برکت امام شما، در پارلمان کشورم، سخنرانی‌ها با «بسم‌الله الرحمن الرحیم» شروع می‌شود.»<sup>۱۰</sup>

امام عزم آن داشتند که تجربه‌های به دست آمده از انقلاب را به جهان صادر کنند و با اطمینان بر این عقیده بودند که اسلام سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد:

«ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست. روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پرفراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بیمایند و تمام آزادیخواهان باید با روشن بینی و روشن نگری، راه سیلی زدن برگونه ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان می‌گویم اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشانند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.»<sup>۱۱</sup>

بیداری اسلامی هر چند پیش از انقلاب در ایران، و در دو سده اخیر در کشورهای مختلف شکل گرفته بود، اما اگر بیداری اسلامی را در یک منحنی رسم کنیم، امام را در طی این ۲۰۰ سال در قله این منحنی می‌توان ترسیم نمود.

با توجه به رهبری بی‌نظیر امام در رویارویی با قدرت‌ها و به پیروزی نشانیدن یک انقلاب و راهبری موج بیداری اسلامی و مواجهه با مسائل آن، بررسی مشکلات و موانع این پدیده، از دیدگاه آن بزرگ مرد تاریخ، از اهمیت زیادی برخوردار است. تحلیل و بررسی این موانع؛ مبتنی بر یافته‌های امام، باید دستاوردی گران سنگ برای اسلام خواهان، صاحب‌نظران و رهبران جنبش‌های اسلامی تلقی شود.

## موانع بیداری اسلامی

### ۱- تحریف اسلام و وارونگی مفاهیم دینی

با دور شدن تدریجی جوامع اسلامی از مفاهیم و آموزه‌های اصلی و اصیل اسلامی و دگرگون شدن پیام اولیه عدالت‌خواهانه اسلام، این مکتب به آرامی از بالندگی افتاد، دچار انحراف گشت و به خمودی گرایید. مفاهیم ارزشمندی از قبیل عدالت، قسط، جهاد، حج ابراهیمی، شهادت، امر به معروف و... به دلیل خطر آفرین بودن آن برای قدرتمداران؛ یا به آفت تحریف دچار گشت و یا به بوته فراموشی سپرده شد. و به جای آن مباحثی از قبیل تقدیر و جبر، حدوث و یا قدیم بودن قرآن و مسائلی از این دست، سال‌ها مهمترین موضوع تفکر دینی و اسلامی می‌گردد، توسط این‌گونه مباحث دغدغه‌های دینی مردم کنترل شده و محوری برای مشغول کردن اندیشمندان گردیده است.

از طرف دیگر، تمایلات فرقه‌ای و عربی، ورود افکار و اندیشه‌های یونانی و فرهنگ غیر اسلامی، الهام‌گیری از آموزش و جهان‌بینی غربی، آرمان‌های اسلامی را به انزوا کشانید.

بعدها، این مسائل، موجب این پندار شد که اسلام با دوره معاصر، سنخیت ندارد. بیشتر تحصیل کرده‌ها، غافل از داشته‌ها و اندوخته‌های غنی فرهنگ اسلامی خویش، کلید توسعه و حتی نجات جامعه را در اتخاذ علوم، ارزش‌ها و فلسفه غربی دیدند.

امام در دیداری که با برخی مسؤولین دارد به این نکته اشاره می‌کنند که دشمنان راه نجات خود را در این دیده‌اند که یا اسلام در این کشورها نباشد و یا لااقل محتوا نداشته باشد. هر چند در بخش اول توفیقی نداشته‌اند، اما نسبت به بی‌محتوا کردن اسلام موفق بوده‌اند.<sup>۱۲</sup>

از اینرو بسیاری از افراد که به دنبال احیای دین و تفکر دینی در جامعه بوده‌اند از بازنگری در برخی از مفاهیم کلیدی اندیشه اسلامی که پیش از آن به دلیل تعبیرهای غلط موجب ابهام و رکود شده بود شروع کرده‌اند. افرادی از قبیل سید جمال، محمد عبده، محمد اقبال، دکتر علی شریعتی و... به دلیل همین دریافت، چنان روشی را در سرلوحه فعالیت‌های خویش برگزیدند.

امام در پاسخ به سؤال چيستی ریشه‌های انقلاب، به محتوای اصیل تشیع اشاره دارند: «سؤال: تصور می‌کنم که آنچه امروز در حیات یک جنبش توده‌ای در ایران اتفاق





می‌افتد، ریشه‌هایش در یک نوع رنسانس شیعه یافت می‌شود. ممکن است شرح دهید که چه فعالیت‌ها و بحث‌ها و مبارزاتی در سی سال اخیر فعالیت شما را تشکیل داده است؟  
جواب: یکی از خصلت‌های ذاتی تشیع از آغاز تا کنون مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می‌خورد، هر چند که اوج این مبارزات در بعضی از مقطع‌های زمانی بوده است. در صد سال اخیر حوادثی اتفاق افتاده است که هر کدام در جنبش امروز ملت ایران تأثیری داشته است. انقلاب مشروطیت، جنبش تنباکو و... قابل اهمیت فراوان است...»<sup>۱۳</sup>

«...اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند، دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند، مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است. اما اینها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند... برای این منظور که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند... تبلیغ کرده‌اند که اسلام دین جامعی نیست، دین زندگی نیست، برای جامعه نظامات و قوانین ندارد. طرز حکومت و قوانین حکومتی نیآورده است. اسلام فقط احکام حیض و نفاس است، اخلاقیاتی هم دارد، اما راجع به زندگی و اداره جامعه چیزی ندارد...»<sup>۱۴</sup>

همه کوشش امام در مردمی بودن حکومت و ایجاد یک نظام جمهوری؛ از جایگاه یک اسلام شناس و مجتهدی اندیشه‌ور، برای بسیاری تازگی داشته و شگفت آور بود. آنچه او در مورد زنان و نقش آنان در جامعه، فقه حکومتی و اجتهاد، نفی تحجّر و واپس‌گرایان و مقدس مآبان، اسلام پایبرهنگان و... می‌اندیشید، موجب طرح دوباره اسلام در صحنه حیات بشری به ویژه در جهان اسلام شد، و در آن روحی تازه دمید.

«همه توطئه‌های جهان خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم: اسلام، جوابگوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم.»<sup>۱۵</sup>

## ۲- حکام کشورهای اسلامی

یکی از موانع در فراروی نهضت بیداری، حاکمان و سران کشورهای اسلامی است. اینان استقرار اسلام ناب را، مغایر با منافع شخصی و حکومتی خود می‌پندارند.

«مشکل مسلمین حکومت‌های مسلمین است. این حکومت‌ها هستند که مسلمین را به

«کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی، حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکره نیمه جان اسلام و مسلمین دارد.»

«ما امید این را داریم که این نهضت ایران روشن کند مسائل را به همه ملت‌ها و روشن کرده است ... ملت‌ها الآن با ما هستند، اگر سر نیزه را از این ملت‌ها بردارند از عراق بردارند از - نمیدانم - ترکیه بردارند، همه یکصدا با ما موافقتند. سرنیزه جلو را گرفته است منتها ایران سر نیزه را شکست، ایران ایستاد...»<sup>۱۷</sup>

امام حکومت‌های منحرف اسلامی را، عامل قدرت‌های شیطنی دانسته که برای اغفال مردم از راه اسلام علیه اسلام وارد می‌شوند.

### ۳- تفرقه

برخلاف تصور برخی از سطحی‌نگران، امام وحدت را یک تاکتیک یا ابزار مصلحتی برای پیشبرد اهداف و مقاصد سیاسی انقلاب نمی‌بیند. وحدت را یک اصل اسلامی تعریف کرده و لازمه توفیق در مبارزه با دشمن اصلی و موفقیت در رهایی از وضعیت اسفبار کنونی مسلمین را در گرو همبستگی دانسته است. وی با تمام ارادتی که به اهل بیت دارد، حاضر نیست در مجالس تفرقه افکنانه‌ای که به عنوان حمایت از اهل بیت تشکیل می‌شود، شرکت کند. بالاتر از آن، امام در پی ایجاد جبهه متحد اسلامی بود:

«من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران، با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت مردم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان، با تمام وجود تلاش کنیم... ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی انسانی، با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود.»<sup>۱۸</sup>

دست‌های ناپاکی که به ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی می‌پردازند، درصدد







«محدود کردن تأثیر انقلاب اسلامی و جلوگیری از گسترش آثار آن در مناطق سنی مذهب (هم بخشهای نفت خیز آن و هم کشورهای در حال نبرد با اسرائیل) بوده است.»<sup>۱۹</sup>

امام برای تحقق آرمان وحدت مسلمین از امکانات موجود بهره می‌جستند و در این راستا مسأله فلسطین، روز قدس و حج ابراهیمی و... را مطرح کرده‌اند.

#### ۴- تحجّر و جمود مقدّس نماها

امام از مقدّس نماها به عنوان یکی از موانع شناخت و بیداری اسلامی نام می‌برد. و برای گسترش اسلام ناب محمدی، شناخت این مشعل‌داران تحجّر و حماقت و مبارزه با آنان را ضروری می‌دانند.

«... آمریکا و استکبار، در تمامی زمینه‌ها افرادی را در آستین دارند. در حوزه‌ها و در دانشگاه‌ها، مقدّس نماها را، که خطرآنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام، اینان با تزویرشان، از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شر اینها به خدا پناه ببریم... امروز جهان تشنه اسلام ناب محمدی است...»<sup>۲۰</sup>

این عده با تظاهر به تعبد و زهد، که از ویژگی‌های این گروه است، بزرگترین ضربه را در طول تاریخ بر پیکره دین وارد آورده‌اند. نمونه بزرگ این گروه را مارقین؛ در زمان حکومت حضرت علی(ع) تشکیل می‌دادند. چهره‌هایی آراسته و متظاهر به دیانت و زهد که ضربه‌ای بزرگ بر پیکر عدل گستر حکومت علی وارد آوردند.

خطر این گروه را نباید کوچک شمرد. اینان، به راحتی ابزار دست دشمنان اسلام واقع می‌شوند. بزرگترین ضربه‌ها را اسلام در طول تاریخ حیات خود، از این مقدّس نماها خورده است. اینان زود فریب می‌خورند و زود تحریک می‌شوند و شایعه را به زودی قبول می‌کنند و پس از آن احساس تکلیف می‌کنند!

«...امروز، جامعه مسلمین طوری شده که مقدّسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند و به اسم اسلام به اسلام ضربه می‌زنند... روحیه و افکار خود را به نام اسلام در جامعه سرایت می‌دهند...»<sup>۲۱</sup>

## ۵ - روشنفکر نماها

همان‌گونه که تحجر و جمود از دیدگاه امام مانع بیداری است، دلبستگی به شرق و غرب و خودباختگی در برابر آنان، ملت‌ها را از نزدیک شدن به اسلام باز می‌دارد. ... امروز زمانی است که ملت‌ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آنان را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملت‌هاست.<sup>۲۲</sup>

امام در مواردی به روشنفکران توصیه می‌کنند، معیار روشنفکری را، پیروی از داده‌های غربی ندانند. معرفی درست اسلام را وظیفه آنان دانسته و در استقرار یک حکومت عدل، برای روشنفکران نقش اساسی قائلند. و از طرف دیگر انتقادهایی از روشنفکران دارند؛ بی‌تفاوتی نسبت به اسلام، غربگرایی، خودباختگی، بی‌اطلاعی از اسلام، بریدن از مردم از جمله مسائلی است که امام به این قشر گوشزد می‌کنند.

## عراخوند های وابسته

امام در عین حمایت کامل از روحانیت اصیل و متعهد، انتقادهای بسیار تندی از روحانی نماهای وابسته به دربار و قدرت دارند. امام ضمن ابراز تنقّر از روحانیت غیر مهذب و متعهد، آنان را از ساواکی‌ها هم بدتر می‌دانند. اینان بهترین ابزاری هستند که خواسته یا ناخواسته، مجری اهداف دیگران قرار می‌گیرند:

«طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمّال از خدا بی‌خبر آنان از آن جمله وعاظالسلطین که از سلاطین جور سیاه روی‌ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند و گریبان چاک می‌کنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند، طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند.»<sup>۲۳</sup>

«... ما گرفتار بعضی اشخاص که دعوی اسلامی می‌کنند، بعضی‌ها که در رأس روحانیت بعضی ممالک واقع هستند... ما را تکفیر می‌کنند... متأسفانه در لباس مفتی هستند... این کارها برضد اسلام و بر وفاق میل ابرقدرت‌هاست... اگر چنانچه وعاظالسلطین بگذارند و اتحاد ما را به هم نزنند، ان‌شاءالله پیروز خواهیم شد.»<sup>۲۴</sup>





## پی‌نوشت‌ها:

۱. امام خمینی، ۵۷/۹/۱.
۲. صحیفه نور، ۱۱۴/۴.
۳. روزنامه اطلاعات، ۶۱/۱۲/۱.
۴. مجله حضور، ش ۲۴، ص ۱۵.
۵. همان، ص ۱۳.
۶. همان، ص ۲۲.
۸. دکتر شقاقی، امام خمینی راه حل جدید جهان اسلام، ص ۲۷. این کتاب در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) از سوی دارالمختار الاسلامی در قاهره به چاپ رسیده است.
۹. حدیث ولایت، ج ۲، ص ۲۹۶.
۱۰. همان، ج ۱، صص ۶۳ و ۶۴.
۱۱. صحیفه نور، ۱۱۸/۲۰.
۱۲. همان، ۶۱/۱۰/۱۲.
۱۳. همان، ۵۷/۱۰/۱۹.
۱۴. ولایت فقیه، ص ۳-۵.
۱۵. پیام امام به حوزه‌های علمیه، ۶۷/۱۲/۳.
۱۶. صحیفه نور، ۲۷۸/۱۲.
۱۷. همان، ۵۸/۹/۲۶.
۱۸. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۱.
۱۹. مقاله «شیعه و سنی؛ فریادی اسفناک و بی اثر»، نوشته عزالدین ابراهیم؛ مجله الطلیعه الاسلامیه؛ سال اول، پیش شماره، ۱۹۸۳، ص ۲۸.
۲۰. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۸.
۲۱. ولایت فقیه، حضرت امام، ص ۷۳.
۲۲. پیام امام به زائران بیت‌الله الحرام، ۵۹/۶/۲۱.
۲۳. ۶۰/۶/۱۵.
۲۴. ۵۹/۵/۲۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی